

المدرسة العربية فرع ايران

- 1- تاريخ فن التصوير في ايران
- ساسانى – مانوى – فرسكو – خزف مينائى –
- خصائص فرع ايران من المدرسة العربية .
- (النص فارسى – الخلفية حمراء بدلا من كونها ذهبية –
- الوجوه غالبا تركية مع تأثيرات صينية وأسباب ذلك) .

مخطوطات فرع ايران

- 1- مخطوط من كتاب مفيد الخاص – محفوظ بضريح الامام الرضا بمشهد – بداية القرن 13م .
- 2- سمكى عيار – لمؤلفه صدقه الشيرازى – البودلية بأكسفورد .
- 3- نسخة من كليلة ودمنة – بمتحف ورسشتر بنيويورك -13م .
- 4- نسخة من الشاهنامه – طوبقabo – 731هـ / 1330م .
- 5- مؤنس الأحرار- المتروبوليتان – 741هـ / 1341م .
- 6- منافع الحيوان – لابن بختيشوع – مكتبة مورجان – مراغة 697هـ
- 7- الآثار الباقية عن القرون الخالية – بأدنبرة – 707هـ / 1307م .

مجلس الغربان – كليلة ودمنة



الفلاح الأسير مع زوجته



مخرج له فاما العبد المذنب الذي لا يتوب
 عن ذنوبه ولا يتركها ولا يتركها
 ولا يتركها ولا يتركها ولا يتركها
 ولا يتركها ولا يتركها ولا يتركها





عَبْدُ السَّبَّارِ وَهُوَ دُخُولُ حَبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى مَرْيَمَ مُبَشِّرًا بِالْمَسِيحِ وَمِنْهُ أُنِيَ الْمِيلَادُ

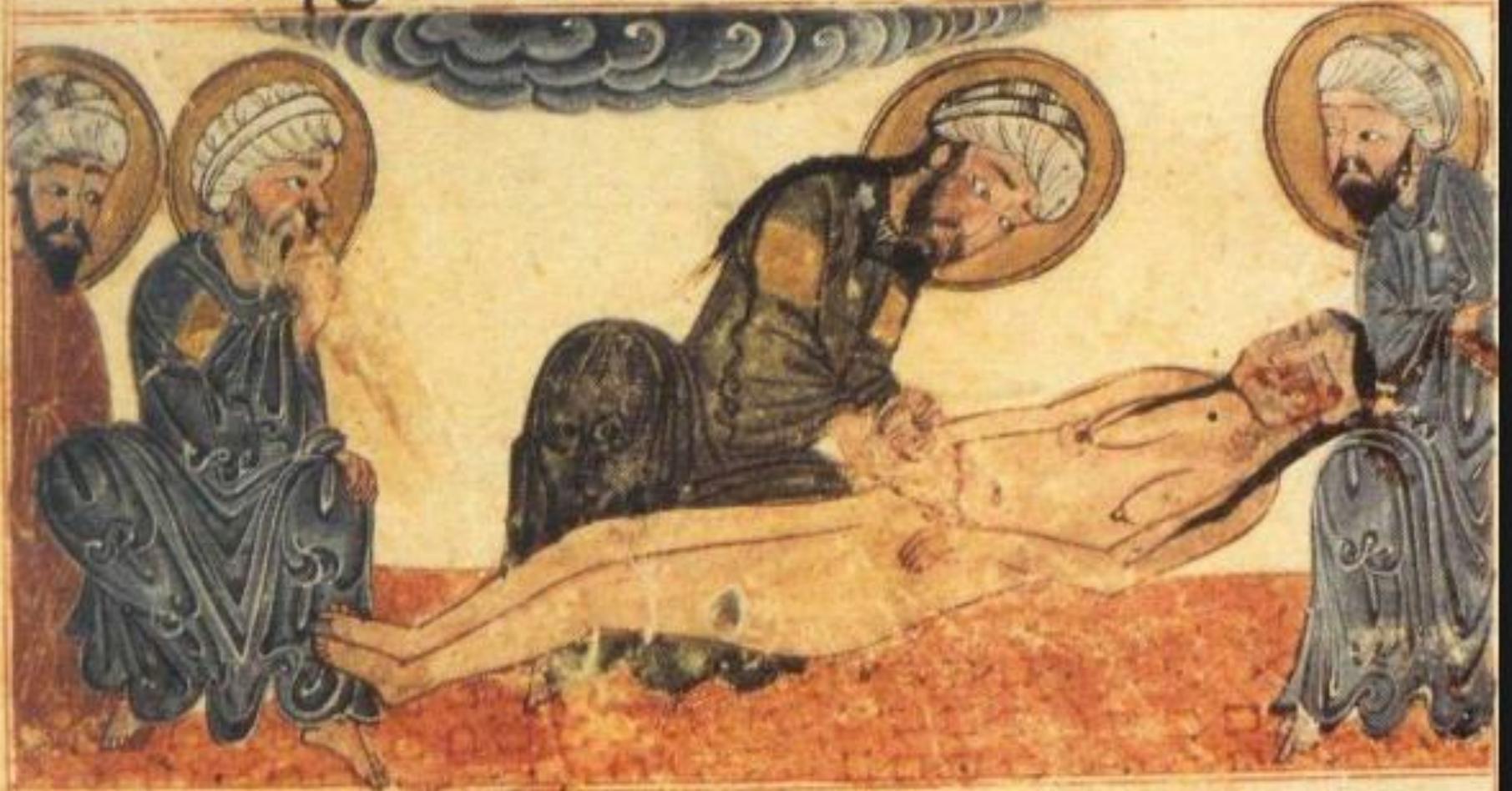


تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَخَمْسَةَ أَيَّامٍ وَثَلَاثِينَ سَاعَةً وَهِيَ طَبِيعِيٌّ لِأَسْتِقْرَازِ الْمَوْلُودِ فِي بَطْنِ الْأُمِّ وَعَلَيْشِي

البيرونى - الآثار الباقية عن القرون الخالية



ذَلِكَ أَنَّ امَّةً مَاتَتْ فِي الْمَخَاضِ وَهِيَ حَامِلَةٌ بِهِ فَشَقَّ بَطْنَهَا وَأَفْرَجَ عَنْهُ وَلَقِبَ لِقَيْصَرَ



سَمَّاهُ قَيْصَرَ عَلَى الْكَلْبِ الْبَرْبَرِيِّ وَجَاءَ أَنَّهُ أُتِيَ بِأَبْنٍ فِي بَطْنِهَا فَهَاشِمٌ

منافع الحيوان – لابين بختيشوع



باید بدانست که نام این جنس از استخوان نیکه نمود و بسبب آنکه تا اول آمدن
آن جنس کوه برین استخوان استخوانی بود و در وقت آنکه که انسان شد آنند و نمی گویند



در عهد آنست که زیاده کرد و خانه آباد شد و گویند که در آن زمان که این جنس

تا به هر وقت بود و در روزی که در دست خاند و دام جگر که در نه شبه است
در دانه ماه که در دست خاند و در وقت که در نه شبه است در دست خاند



باشد که در زمانه و در شبه است و در دست خاند و در دست خاند
در دست خاند و در دست خاند و در دست خاند و در دست خاند
در دست خاند و در دست خاند و در دست خاند و در دست خاند

المملوك يد بحمت
خبري ماتن در
و کور نشه ری ما
بلک و دغا
پوشها و دلا
و بافت انما
او تو ایست
نست و شع
ماند گوید
ماند و ایست



ی و جز تا سیر لونه انگاه بجایه آرسود و چون نه از ما در جدا شود و در وقت لایق که ما در نوزاد
پریده باشند چون بعد مالو گشت و بدست او بعد بنور تاسه هماد روز بعد از آن من

ص ۱۰۰

مشكوه و در آنجا بود و به هم می آمدند و یکی از آن دو گفت ای صاحب
 خداست که این دو حیوان را یکی می کند و هر یک را خود می خورد و با هم



حمله کرد و در آنجا آمد و به هم می آمدند و یکی از آن دو گفت ای صاحب
 خداست که این دو حیوان را یکی می کند و هر یک را خود می خورد و با هم
 می خورد و هر یک را خود می خورد و با هم می خورد و هر یک را خود می خورد

است که هر روز که در ... سپید زان قاصد زار زوشی ...
از کوه برای زنده باشد مادر دارد و باغچه رنگارنگ از ...



شاهنامه - مبكرة - 13م - كيخسرو و افراسياب



نسخة من الشاهنامه نهاية 13م

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|--|
| <p>بزرگ شهنشاه کرد ابرو از شمشیر چو برین مرغ و ماهی عیبند خرد را ز بهر هوا کشته ام نشان کی بودم از رگزار سبزه شش دهد بجز کوهان و پور سمکان سراسر بیا آوردم ز هر داشتی نزد او هر چه دند نذرا ج و جام جبر فری بخوی سار استن بهمان او بود آن سبب در برمان</p> | <p>بجستم همی کف و بال و پرت بسی لب بیدان کردم تو چینه استنارها شنیدم تو ز هم ستان نو خواران دارم</p> | <p>بزرگ شهنشاه کرد ابرو از شمشیر چو برین مرغ و ماهی عیبند خرد را ز بهر هوا کشته ام نشان کی بودم از رگزار سبزه شش دهد بجز کوهان و پور سمکان سراسر بیا آوردم ز هر داشتی نزد او هر چه دند نذرا ج و جام جبر فری بخوی سار استن بهمان او بود آن سبب در برمان</p> | <p>بزرگ شهنشاه کرد ابرو از شمشیر چو برین مرغ و ماهی عیبند خرد را ز بهر هوا کشته ام نشان کی بودم از رگزار سبزه شش دهد بجز کوهان و پور سمکان سراسر بیا آوردم ز هر داشتی نزد او هر چه دند نذرا ج و جام جبر فری بخوی سار استن بهمان او بود آن سبب در برمان</p> | <p>بزرگ شهنشاه کرد ابرو از شمشیر چو برین مرغ و ماهی عیبند خرد را ز بهر هوا کشته ام نشان کی بودم از رگزار سبزه شش دهد بجز کوهان و پور سمکان سراسر بیا آوردم ز هر داشتی نزد او هر چه دند نذرا ج و جام جبر فری بخوی سار استن بهمان او بود آن سبب در برمان</p> | <p>نشان کند تو دار ز هر بر ترا ام گون که خواهی مژا کی انک بر تو خنر کشیدم و دیگر که از تو مکر کرد کار مگر خون تو باشد بر روی سار که رخش عجا آوردم چو رستم از آن سان بری مردم و دیگر که از خرد دادا کھی عخشودنی را و فرمان او چو انبار او کشت با او بران</p> |
| <p>اگر دخر از د زار و ز کار بپردی و خوی که زمان بود بیار است روی منبر امجد بر شد شراب جواب و ارام وزیر داستان کرد بیبا و اد و در نام همی همی همی کرد</p> | <p>بزرگ شهنشاه کرد ابرو از شمشیر چو برین مرغ و ماهی عیبند خرد را ز بهر هوا کشته ام نشان کی بودم از رگزار سبزه شش دهد بجز کوهان و پور سمکان سراسر بیا آوردم ز هر داشتی نزد او هر چه دند نذرا ج و جام جبر فری بخوی سار استن بهمان او بود آن سبب در برمان</p> | <p>بزرگ شهنشاه کرد ابرو از شمشیر چو برین مرغ و ماهی عیبند خرد را ز بهر هوا کشته ام نشان کی بودم از رگزار سبزه شش دهد بجز کوهان و پور سمکان سراسر بیا آوردم ز هر داشتی نزد او هر چه دند نذرا ج و جام جبر فری بخوی سار استن بهمان او بود آن سبب در برمان</p> | <p>بزرگ شهنشاه کرد ابرو از شمشیر چو برین مرغ و ماهی عیبند خرد را ز بهر هوا کشته ام نشان کی بودم از رگزار سبزه شش دهد بجز کوهان و پور سمکان سراسر بیا آوردم ز هر داشتی نزد او هر چه دند نذرا ج و جام جبر فری بخوی سار استن بهمان او بود آن سبب در برمان</p> | <p>بزرگ شهنشاه کرد ابرو از شمشیر چو برین مرغ و ماهی عیبند خرد را ز بهر هوا کشته ام نشان کی بودم از رگزار سبزه شش دهد بجز کوهان و پور سمکان سراسر بیا آوردم ز هر داشتی نزد او هر چه دند نذرا ج و جام جبر فری بخوی سار استن بهمان او بود آن سبب در برمان</p> | <p>همی خواستند که در رخصان بنیل خنر و مال کشتی فروز بنیدنی تا بندر و اوقاب همی نوشته دادند از روی از و شادمان شدند از آج کی کوزل آمد چو مانند ماه</p> |

Handwritten text at the top of the page, likely a title or introductory lines.



Handwritten text at the bottom of the page, continuing the narrative or providing commentary on the miniature.

خسرو و یطلب شیرین



معركة للطورانيين بقيادة منوشهر

